

اصول اساسی برای نظارت بانکی موثر (اصول اساسی کمیته بال)

عبدالمهدی ارجمندنژاد^۱

اصول اساسی بال متشکل از اصول پایه بیست و پنج‌گانه‌ای است که به‌منظور برخورداری از یک نظام کارآمد نظارتی می‌بایست در جایگاه شایسته خویش قرار گیرند.

این اصول مربوط به موارد ذیل می‌باشند:

- پیش شرط‌های لازم برای نظارت بانکی موثر - اصل ۱
- صدور مجوز و ساختار - اصول ۲ تا ۵
- مقررات و الزامات احتیاطی - اصول ۶ تا ۱۵
- روش‌های نظارت بانکی مستمر - اصول ۱۶ تا ۲۰
- نیازهای اطلاعاتی - اصل ۲۱
- اختیارات رسمی بازرسان - اصل ۲۲
- بانکداری برون مرزی - اصول ۲۳ تا ۲۵

این سند علاوه بر خود اصول، به تشریح روش‌های متنوعی می‌پردازد که ناظران می‌توانند به‌وسیله آن‌ها، اصول مزبور را به اجرا درآورند.

۱- کارشناس اداره مطالعات و مقررات بانکی

لازم است موسسات ملی در نظارت بر کلیه واحدهای بانکی مستقر در حوزه حاکمیت خود، این اصول را به کار گیرند. این اصول حداقل الزامات را تشکیل می‌دهند و در بسیاری از موارد ممکن است نیاز به تکمیل آنها به وسیله معیارهای دیگری باشد که برای بررسی شرایط و ریسک‌های خاص موجود در نظام مالی هر کشور تدوین شده‌اند. به اعتقاد کمیته بال انطباق هر کشور با اصول اساسی مزبور، گام مهمی در فرآیند بهبود ثبات مالی - چه در درون آن کشور و چه در عرصه بین‌المللی - به حساب می‌آید. سرعت دستیابی به این هدف متفاوت خواهد بود. در بسیاری از کشورها، ایجاد تغییراتی اساسی در نظام تقنینی و میزان اختیارات تفویض شده به بازرسان، ضروری است چرا که در حال حاضر، بسیاری از مراجع نظارتی از اختیارات قانونی لازم جهت اجرای تمامی این اصول برخوردار نیستند. در این خصوص، نظر کمیته بال این است که قانونگذاران در عرصه ملی، سریعاً نسبت به شناسایی تغییرات مورد نیاز اقدام کنند تا بدین وسیله از کاربرد این اصول در کلیه ابعاد خود، اطمینان حاصل نمایند.

بخش یک: مقدمه

نظارت کارآمد بر واحدهای بانکی، عاملی ضروری برای یک محیط قدرتمند اقتصادی به حساب می‌آید. محیطی که در آن نظام بانکی، نقشی محوری را در پرداخت‌ها، تجهیز و توزیع پس‌اندازها ایفا می‌نماید. وظیفه نظارت حصول اطمینان از این امر است که بانک‌ها به شیوه‌ای ایمن و صحیح عمل نموده و اینکه جهت مقابله با ریسک‌های بوجود آمده در این حرفه، از سرمایه و ذخایر کافی برخوردار هستند. نظارت بانکی قوی و اثربخش، خدمتی را برای عموم فراهم می‌آورد که امکان ندارد آنرا به‌طور کامل در بازار یافت. این نظارت به همراه سیاست‌های موثر و کلان اقتصادی، برای ثبات مالی هر کشور از اهمیتی حیاتی برخوردار است. هرچند هزینه نظارت بانکی حقیقتاً زیادی باشد لیکن این امر ثابت شده است که هزینه نظارت ضعیف حتی از این هم بالاتر باشد.

بخش دو: پیش شرط‌های لازم برای نظارت بانکی موثر

نظارت بانکی تنها بخشی از تمهیدات وسیعتری است که جهت بالا بردن ثبات در بازارهای مالی مورد نیاز است. این تمهیدات شامل:

- ۱- سیاست‌های موثر و مناسب در زمینه اقتصاد کلان
 - ۲- یک زیرساخت عمومی کاملاً توسعه یافته
 - ۳- انضباط موثر بازار
 - ۴- روش‌هایی برای حل کارآی مسایل بانک‌ها
 - ۵- سازوکارهایی برای تامین سطح مناسبی از حفاظت نظام‌مند^۱ (باشبکه ایمنی جامع^۲)
- ۱- ایجاد سیاست‌های موثر و مناسب در زمینه اقتصاد کلان، در صلاحیت ناظرین بانکی نمی‌باشد. با وجود این، چنانچه ناظرین احساس نمایند که سیاست‌های موجود به تضعیف سلامت و ایمنی نظام بانکی می‌انجامد می‌بایست نسبت به آن واکنش نشان دهند. زمانیکه سیاست‌های موثری در زمینه اقتصاد کلان وجود ندارد ناظرین بانکی با وظایفی مواجه خواهند شد که انجام آن‌ها عملاً غیرممکن است. بنابراین لازم است سیاست‌های موثر در زمینه اقتصاد کلان، مبنای یک نظام با ثبات مالی را تشکیل دهد.
- ۲- یک زیرساخت عمومی کاملاً توسعه یافته می‌بایست تسهیلات ذیل را فراهم آورد. تسهیلاتی که اگر به حد کافی تامین نشوند می‌توانند به ایجاد بی‌ثباتی گسترده در نظام‌های مالی بیانجامند:

نظامی از قوانین تجاری؛ اصول و قواعد جامع و واضح حسابداری؛ نظامی از حسابرسی مستقل برای شرکت‌هایی با ابعاد وسیع؛ نظارت کارآمد بانکی؛

1- Systemic protection

2- Public safety net

حاکمیت‌مقررات کاملاً واضح و نظارت کافی بر بازارهای مالی و در صورت لزوم بر فعالان آن‌ها؛ و وجود یک سیستم پایاپای و پرداخت کارآ.

۳- انضباط موثر بازار به عوامل ذیل بستگی دارد: جریانی کافی از اطلاعات برای فعالان بازار، مشوق‌های مالی مناسب جهت ارابه‌پاداش به موسساتی که بخوبی اداره شده‌اند و وجود تمهیداتی که اطمینان می‌دهند سرمایه‌گذاران از عواقب تصمیمات خود، مبری نمی‌باشند. در میان موضوعاتی که می‌بایست مورد بحث قرار گیرند می‌توان به حاکمیت سهامی و حصول اطمینان از این امر که سپرده‌گیران اطلاعات صحیح، ارزشمند، شفاف و به‌موقعی را برای سرمایه‌گذاران و بستانکاران فراهم می‌آورند، اشاره نمود.

۴- به‌منظور حل کارآی مشکلات در بانک‌ها، دارا بودن اختیاراتی که از انعطاف کافی برخوردار باشند، امری ضروری است.

۵- تصمیم‌گیری راجع به سطح مناسبی از حفاظت نظام‌مند، روی هم رفته یک مقولهٔ سیاستی است که می‌بایست توسط مراجع ذیربط (شامل بانک مرکزی) به آن پاسخ داده شود بخصوص در مواقعی که ممکن است این موضوع به ایجاد تعهد برای وجوه عمومی بیانجامد.

اصل ۱:

یک سیستم موثر نظارت بانکی برای هر موسسه‌ای که درگیر نظارت بر واحدهای بانکی است، اهداف و مسئولیت‌های مشخصی دارد. این موسسات می‌بایست از استقلال عملیاتی و منابع کافی برخوردار باشند. همچنین وجود یک چارچوب مناسب قانونی برای نظارت بانکی ضروری است. چارچوبی که شامل موادی در خصوص صدور مجوز برای موسسات بانکی و نظارت مستمر بر آن‌ها بوده، اختیاراتی را برای بررسی میزان

انطباق عملکرد بانک‌ها با قوانین و نیز صحت و سلامتی آن تفویض نموده و شامل حمایت‌های قانونی از بازرسان باشد. تمهیدات لازم برای تبادل اطلاعات بین ناظران و حفظ جنبه‌های محرمانه این‌گونه اطلاعات نیز به نوبه خود می‌بایست لحاظ گردد.

این استاندارد به نوبه خود مستلزم وجود اجزای ذیل است:

- چارچوبی مشخص، قابل دسترسی و یکدست از اهداف و مسئولیت‌هایی که قانون برای بازرس (با هریک از بازرسان) ذی‌ربط تعیین نموده است.
- وجود منابع کافی (شامل کارکنان، سرمایه و فن‌آوری) برای دستیابی به اهداف تعیین شده.
- نظامی از قوانین بانکی که موارد ذیل را دربرگیرد:
 - حداقل استانداردهایی را که لازم است بانک‌ها به آن‌ها دست پیدا کنند، ایجاد نماید.
 - از نظر اداری این امکان را به بازرسان بدهد که برای ایجاد مقررات احتیاطی، در صورت نیاز از انعطاف کافی برخوردار باشند تا بدین وسیله به مجموعه اهداف تعیین شده دست یافته و از قضاوت‌های کیفی استفاده نمایند.
 - اختیارات لازم برای جمع‌آوری و تأیید مستقل اطلاعات را فراهم آورد.
 - به بازرسان این اختیار را بدهد که به هنگام عدم رعایت الزامات احتیاطی (از سوی بانک‌ها)، مجازات‌هایی را برای آن‌ها در نظر بگیرند (از جمله اختیار عزل افراد، درخواست اعمال تحریم و ابطال مجوز).
 - محافظت کارکنان (معمولاً به وسیله قانون) از مسئولیت‌های شخصی و سازمانی، در برابر اقدامات نظارتی که در جهت اجرای وظایف ذی‌ربط، صادقانه انجام می‌شود.
 - وجود یک نظام همکاری در بین موسسات و مبادله اطلاعات ذی‌ربط بین موسسات رسمی داخلی و خارجی مختلفی که مسئولیت ایمنی و سلامت نظام مالی را برعهده دارند.

بخش سه: فرآیند صدور مجوز و تصویب تغییرات ساختاری

اصل ۲:

لازم است فعالیت‌های مجاز موسساتی که دارای مجوز فعالیت هستند و به عنوان بانک تحت نظارت قرار می‌گیرند، به‌طور روشن تعریف شده و استفاده از کلمه «بانک» در عناوین موسسات، تا آنجا که ممکن است تحت کنترل باشد.

اصل ۳:

مرجع صادرکننده مجوز می‌بایست از این حق برخوردار باشد که معیارهایی را تعیین نموده و نسبت به رد درخواست‌هایی که منطبق با معیارهای مزبور نیستند، اقدام نماید. فرآیند صدور مجوز می‌بایست حداقل موارد ذیل را شامل شود: ارزیابی ساختار مالکیت موسسه بانکی، هیات مدیره و مدیریت ارشد، برنامه عملیاتی و کنترل‌های داخلی آن، پیش‌بینی وضعیت مالی آن در آینده شامل سرمایه پایه و در صورتیکه مالک پیشنهادی یا سازمان مرکزی آن یک بانک خارجی است، باید موافقت اولیه مراجع نظارتی کشور مبدأ نیز اخذ شود.

برای دسترسی آسانتر به یک نظام مالی سالم و تعیین دقیق موسساتی که می‌بایست تحت پوشش نظارت قرار گیرند، لازم است تشریفات صدور مجوز برای واحدهای بانکی و حیطة فعالیت‌هایی را که تحت پوشش این مجوزها قرار دارند، به دقت تعریف نمود. بخصوص فعالیت اخذ سپرده بانکی خاص از عموم مردم، نوعاً می‌بایست مختص موسساتی باشد که دارای مجوز بانکی بوده و تحت نظارت قرار دارند. باید واژه «بانک» را به روشنی تعریف نمود و تا حد امکان، استفاده از کلمه «بانک»^۱ در اسامی موسسات را تحت کنترل داشت بخصوص

۱- این موضوع شامل کلیه مشتقات کلمه «بانک» از جمله «بانکی» نیز می‌شود.

در مواقعی که ممکن است موسسات بدون مجوزی که تحت نظارت قرار ندارند، با استفاده از کلمه «بانک» در عناوین خود، تلویحاً و به نحو دیگری موجب اغفال مردم شوند. چنانچه نظارت بانکی مبتنی بر سیستمی باشد که برای شروع به فعالیت موسسات سپرده‌پذیر (و در جای خود برای هر نوع موسسه مالی)، اقدام به صدور مجوز (یا پروانه) نماید، بازرسان از ابزارهای لازم جهت تعیین موسساتی که می‌بایست تحت نظارت قرار گیرند، برخوردار شده و ورود به نظام بانکی تحت کنترل درخواهد آمد. مرجع صادرکننده مجوز می‌بایست مشخص نماید که واحدهای بانکی جدید از سهامدارانی لایق، قدرت مالی کافی، ساختاری قانونی و متناسب با ساختار عملیاتی آن و مدیریتی که دارای تخصص و تعهد کافی جهت اداره بانک به شیوه‌ای موثر و محتاطانه است، برخوردار می‌باشد.

همچنین وجود معیارهای عینی و شفاف، امکان مداخلات سیاسی را در فرآیند صدور مجوز کاهش می‌دهد. هرچند فرآیند صدور مجوز نمی‌تواند این موضوع را تضمین کند که یک بانک پس از افتتاح، به خوبی عمل می‌کند لیکن این فرآیند می‌تواند روشی اثربخش در کاهش تعداد موسسات بی‌ثباتی باشد که به نظام بانکی وارد می‌شوند. با ایجاد معیارهای دقیقی برای بررسی درخواست مجوز بانکی، مرجع صادرکننده مجوز باید از این حق برخوردار باشد که در صورت عدم اطمینان، به رد درخواست‌هایی بپردازد که به این مجموعه از معیارها دست نیافته‌اند. فرآیند صدور مجوز می‌بایست حداقل موارد ذیل را شامل شود: ارزیابی ساختار مالکیت موسسه بانکی، هیات مدیره و مدیریت ارشد، برنامه عملیاتی و کنترل‌های داخلی آن، پیش‌بینی وضعیت مالی آن در آینده از جمله کفایت سرمایه، و در صورتی که مالک پیشنهادی آن یک بانک خارجی است، باید موافقت اولیه مراجع نظارتی کشور مبدأ نیز اخذ شود.

الف - ساختار مالکیت

بازرسان باید قادر به ارزیابی ساختار مالکیت واحدهای بانکی باشند. این ارزیابی می‌بایست شامل آن دسته از سهامدارانی باشد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، عمده و اثرگذار هستند.

از بانک نباید به عنوان یک منبع مالی که تحت سلطه مالکان آن است، استفاده نمود. به هنگام ارزیابی ارتباطات شرکتی و ساختار بانک پیشنهاد شده‌ای که بخشی از یک مجموعه را تشکیل می‌دهد، مراجع نظارتی و صادرکننده مجوز می‌بایست این موضوع را تعیین نمایند که آیا برای شناسایی افرادی که مسئولیت سلامت عملیات بانک برعهده آنان است شفافیت کافی وجود خواهد داشت یا خیر.

سرانجام، مراجع نظارتی و صادرکننده مجوز می‌بایست از این اختیار برخوردار باشند که مانع از شکل‌گیری آن دسته از ساختارها یا ارتباطات شرکتی‌ای شوند که نظارت موثر بر بانک‌ها را مختل می‌سازند.

ب - برنامه عملیاتی، نظام‌های کنترلی و سازمان درونی

عامل دیگری که می‌بایست در خلال فرآیند صدور مجوز مورد بررسی قرار گیرد عبارت از عملیات و استراتژی‌های پیشنهادی برای آن بانک است. برنامه عملیاتی می‌بایست محدوده‌ای از بازار را که بانک مزبور مایل به انجام اکثر عملیات خود در آن است، تشریح و تحلیل نموده و برای عملیات جاری بانک، یک استراتژی تدوین نماید. همچنین لازم است که طرح مزبور، نحوه سازماندهی و کنترل داخلی در آن بانک را تشریح کند. موسسه صادرکننده مجوز می‌بایست مشخص نماید که آیا تدابیر یاد شده، با استراتژی پیشنهادی همخوانی دارند و آیا سیاست‌ها و رویه‌های اتخاذ شده داخلی مکفی بوده و از منابع کافی استفاده می‌شود.

پ- آزمون صلاحیت و شایستگی در خصوص هیات مدیره و مدیران ارشد

یکی از جنبه‌های کلیدی فرآیند صدور مجوز، ارزیابی صلاحیت، شایستگی و توانمندی‌های مدیریت پیشنهادی از جمله اعضای هیات مدیره می‌باشد. باید موسسه صادرکننده مجوز، اطلاعات ضروری پیرامون اعضای هیات مدیره و مدیران ارشد را کسب نماید تا بدین‌وسیله شناختی از تجربه فردی و جمعی آن‌ها در زمینه امور بانکی، سایر تجارب شغلی، صلاحیت فردی و مهارت‌های مربوطه آنان کسب نمایند. توجه به این موضوع حیاتی است که تیم پیشنهادی برای تصدی مدیریت بانک، شامل تعداد کافی از افرادی باشد که در زمینه امور بانکی، از سوابق قابل توجهی برخوردار باشند.

ت- پیش‌بینی‌های مالی از جمله پیش‌بینی سرمایه

موسسه صادرکننده مجوز باید پیش‌بینی‌ها و صورت‌های مالی مقدماتی مربوط به بانک پیشنهادی را بررسی نماید. این بررسی می‌بایست مشخص نماید که آیا بانک از سرمایه کافی جهت حمایت از برنامه استراتژیک پیشنهادی خود - بخصوص با توجه به هزینه‌های راه‌اندازی و زیان‌های عملیاتی احتمالی در مراحل اولیه - برخوردار است یا خیر.

ث- اخذ موافقت اولیه از بازرسان کشور مبدأ، در مواقعی که مالک پیشنهادی

یک بانک خارجی است (بند «ب» از بخش شش را نیز ملاحظه بفرمایید)

زمانی که یک بانک خارجی، شعبه‌ای از یک گروه بانکی خارجی، و یا یک موسسه مالی غیربانکی خارجی (که تحت پوشش یک مرجع نظارتی قرار دارد)، پیشنهاد ایجاد یک بانک محلی یا دفتر نمایندگی را ارایه می‌نماید، مرجع صادرکننده مجوز می‌بایست این موضوع را مورد بررسی قرار دهد که آیا آن‌ها به استانداردهای حداقل بال دست یافته‌اند و بخصوص تازمانی که موافقت بازرسان آن بانک یا گروه بانکی در کشور مبدأ، اخذ نشده است به‌طور معمول نباید نسبت به صدور مجوز برای آن‌ها اقدام نمود.

ج- نقل و انتقال سهام یک بانک

اصل ۴:

لازم است ناظران بانکی از این اختیار برخوردار باشند که به بررسی و رد هرگونه طرحی بپردازند که مستلزم انتقال بخش عمده‌ای از مالکیت به سایر اشخاص و یا کنترل منافع بانک‌های موجود توسط آن‌ها است.

ناظران بانکی، علاوه بر صدور مجوز برای بانک‌های جدید می‌بایست از هرگونه افزایش یا سرمایه‌گذاری عمده، که متعاقباً و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در بانک مزبور صورت می‌پذیرد و نیز هرگونه تغییر دیگری در مالکیت آن که از حد مشخصی بیشتر است، مطلع شده و از این اختیار برخوردار باشند که چنانچه این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها با معیارهای مصوب برای موافقت با ایجاد بانک‌های جدید، منطبق نبود از شکل‌گیری یا اعمال حق رای به نفع آن‌ها جلوگیری نمایند.

چ- سرمایه‌گذاری‌ها یا خریدهای عمده یک بانک

اصل ۵:

بازرسان بانکی باید از این اختیار برخوردار باشند که برای بررسی سرمایه‌گذاری‌ها یا خریدهای عمده یک بانک، معیارهایی را وضع نموده و اطمینان یابند که ساختارها یا ارتباطات شرکتی، بانک را در معرض ریسک‌های ناخواسته قرار نداده یا مانع از نظارت کارآمد نمی‌شوند.

در بسیاری از کشورها، هنگامیکه یک بانک مجوز شروع به کار خود را دریافت می‌دارد ممکن است اقدام به فعالیت‌هایی نماید که معمولاً بانک‌ها مجاز به انجام آن‌ها هستند و یا به کارهای دیگری اشتغال یابد که در مجوز بانکی آن‌ها مشخص شده است. در نتیجه این امکان وجود دارد که در صورت انطباق برخی از سرمایه‌گذاری‌ها یا خریدها

با محدودیت‌های ویژه‌ای که به‌وسیله ناظرین یا قوانین و مقررات بانکی وضع شده‌اند، انجام آن‌ها به‌طور خودکار مجاز شمرده شوند.

ناظران، در برخی شرایط بانک‌ها را ملزم می‌نمایند که قبل از انجام سرمایه‌گذاری‌ها یا خریدهای خاص، این موضوع را اطلاع داده یا موافقت ضمنی آن‌ها را کسب نمایند. در چنین شرایطی ناظران می‌بایست این موضوع را مشخص نمایند که آیا واحد بانکی برای خرید مزبور، از منابع مالی و مدیریتی کافی برخوردار می‌باشد. همچنین ممکن است لازم باشد که بررسی نمایند آیا قوانین و مقررات بانکی موجود، اجازه سرمایه‌گذاری فوق را می‌دهد.

بخش چهارم: ترتیبات لازم برای نظارت بانکی مستمر

الف - انواع ریسک‌های بانکی

بانکداری - بنا به ماهیت خود - متضمن مواجهه با طیف وسیعی از مخاطرات است. ناظران بانکی می‌بایست از این ریسک‌ها، شناخت داشته و اطمینان یابند که بانک‌ها به میزان کافی آن‌ها را ارزیابی و مدیریت می‌نمایند. ذیلاً درمورد ریسک‌های مهمی که بانک‌ها با آن‌ها مواجه هستند، بحث می‌شود.

ریسک اعتباری

اعطای وام، فعالیت اصلی اکثر بانک‌ها را تشکیل می‌دهد. وام‌دهی مستلزم آن است که بانک‌ها، راجع به توان بازپرداخت متقاضیان وام، اظهارنظر نمایند. این پیش‌بینی‌ها همیشه درست از آب در نمی‌آیند و یا گاهی ممکن است وضعیت اعتباری یک گیرنده وام به مرور زمان و در اثر عوامل مختلف، ضعیف شود. در نتیجه، یکی از ریسک‌های عمده‌ای که بانک‌ها با آن مواجهند ریسک اعتباری یا ناتوانی طرف مقابل برای اجرای مفاد قرارداد است.

ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه

اعطای وام‌های بین‌المللی علاوه بر اینکه شامل ریسک اعتباری می‌شود (ریسکی که در ذات عملیات وام‌دهی قرار دارد) ریسک کشوری را نیز در بر می‌گیرد یعنی آن دسته از ریسک‌هایی که مربوط به محیط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور متبوع گیرنده وام می‌باشد. به هنگام اعطای وام به دولت‌های خارجی یا موسسات آنها، امکان دارد که ریسک کشوری در آشکارترین وضع خود نمایان شود زیرا اعطای چنین وام‌هایی معمولاً بدون پشتوانه صورت می‌گیرد. یکی از اجزای ریسک کشوری، ریسکی است که از آن تحت عنوان «ریسک انتقال وجوه» یاد می‌شود.

این ریسک زمانی بوجود می‌آید که تعهد یک گیرنده وام، برحسب پول محلی نباشد. صرفنظر از وضعیت مالی خاص یک گیرنده وام، ممکن است ارز تعهد شده در دسترس وی قرار نداشته باشد.

ریسک بازار

ریسک دیگری که بانک‌ها با آن مواجه هستند مربوط به زیان‌هایی است که در اقلام بالا و پایین خط ترازنامه به وجود آمده و ناشی از ایجاد نوسانات در قیمت‌های بازار است. بخش خاصی از ریسک بازار، ریسک نرخ ارز است. بانک‌ها به وسیلهٔ ارایه نرخ (اعلام مظنه) به مشتریان خود و یا از طریق افتتاح حساب‌های ارزی، به عنوان «بازارسازان» ارزی عمل می‌نمایند. در خلال دوره‌هایی که نرخ ارز، از ثبات کافی برخوردار نمی‌باشد ریسک‌هایی که بخش تفکیک‌ناپذیر تجارت ارزی را تشکیل می‌دهند - بخصوص آن‌هایی که مربوط به باز نگه داشتن حساب‌های ارزی هستند - افزایش می‌یابند.

ریسک نرخ بهره

ریسک نرخ بهره، مربوط به آن دسته از منابع مالی یک بانک است که در جهت خلاف نرخ‌های بهره حرکت می‌کنند. این ریسک هم بر سود یک بانک و هم بر ارزش اقتصادی دارایی‌ها، بدهی‌ها و ارقام زیر خط ترازنامه آن اثر می‌گذارد.

ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی از عدم توانایی یک بانک در کاهش بدهی‌ها یا تامین وجوه برای افزایش دارایی‌ها ناشی می‌شود. در مواقعی که یک بانک، نقدینگی کافی ندارد قادر نیست که به سرعت و با هزینه‌ای معقول، به کسب وجوه مکفی از طریق افزایش بدهی‌ها یا تبدیل دارایی‌ها بپردازد و این امر بر سودآوری تاثیر خواهد گذاشت. در شرایط حاد، عدم نقدینگی کافی ممکن است به ورشکستگی یک بانک بیانجامد.

ریسک عملیاتی

مهمترین انواع ریسک عملیاتی مشتمل بر وجود نقص در کنترل‌های داخلی و حاکمیت سهامی است. اختلالاتی از این دست ممکن است از طریق خطا، تقلب یا قصور در اجرای به‌موقع تعهدات به زیان‌های مالی انجامیده یا موجب شود منافع بانک به هر نحو دیگری، آسیب ببیند. حالات دیگر ریسک عملیاتی شامل وجود نواقص عمده در سیستم‌های فن‌آوری اطلاعات، وقایعی از قبیل آتش‌سوزی‌های وسیع یا بلایای دیگر است.

ریسک حقوقی

بانک‌ها در معرض اشکال مختلف ریسک حقوقی قرار دارند. این امر شامل ریسکی است که در آن به دلیل مشاوره‌ها یا مستندسازی نامناسب یا غلط حقوقی، دارایی‌ها با ارزشی کمتر و بدهی‌ها با ارزشی بیشتر از حد مورد انتظار ارزیابی می‌شوند. علاوه بر این، ممکن است قوانین موجود عاجز از حل موضوعات حقوقی‌ای باشند که یک بانک درگیر آن است.

ریسک شهرت

ریسک شهرت ناشی از وجود ضعف‌های عملیاتی است، ضعف در انطباق با قوانین، مقررات یا سایر منابع مربوط. ریسک شهرت بخصوص برای بانک‌ها مضر است زیرا ماهیت حرفه آن‌ها مستلزم حفظ اعتماد سپرده‌گذاران، بستانکاران و کل بازار است.

ب- تدوین و اجرای مقررات و الزامات احتیاطی

لازم است نسبت به تشخیص، نظارت و کنترل ریسک‌هایی که در ذات عملیات بانکداری قرار دارند، اقدام نمود. در حصول اطمینان نسبت به این امر که مدیریت بانک چنین کاری را انجام می‌دهد، بازرسان نقشی اساسی ایفا می‌نمایند. برخورداری بازرسان از اختیار تدوین و استفاده از مقررات و الزامات احتیاطی جهت کنترل ریسک‌های مزبور، بخش مهمی از فرآیند نظارت را تشکیل می‌دهد. این امر قوانین مربوط به کفایت سرمایه، ذخایر مطالبات سوخت شده، تمرکز دارایی‌ها، نقدینگی، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی را دربرمی‌گیرد. ممکن است این موارد شامل الزامات کیفی و یا کمی باشند. هدف از تدوین و اجرای این مقررات، تحدید ریسک‌پذیری غیراحتیاطی متخذه از سوی بانک‌ها است. این الزامات نباید جایگزین تصمیمات مدیریت شوند بلکه باید حداقلی از استانداردهای احتیاطی را اعمال نمایند تا بدین وسیله اطمینان حاصل شود که بانک‌ها، فعالیت‌های خود را به شیوه مناسبی انجام می‌دهند.

۱- کفایت سرمایه

اصل ۶:

بازرسان بانکی می‌بایست نسبت به تعیین الزامات احتیاطی و حداقل مناسبی از کفایت سرمایه برای کلیه بانک‌ها اقدام نمایند. این الزامات باید به انعکاس ریسک‌هایی بپردازند که بانک‌ها متقبل آن‌ها شده و اجزاء سرمایه را با توجه به قابلیت آن‌ها در جذب زیان‌ها، تعریف

نماید. حداقل برای بانک‌هایی که در عرصه بین‌المللی فعال هستند، این الزامات نباید از آنچه که در توافقنامه سرمایه‌بال و اصلاحیه‌های آن معین شده است، کمتر باشد.

سرمایه سهامداران (ارزش ویژه) چندین هدف را دنبال می‌نماید: برای سهامداران، یک منبع درآمد دایمی و برای بانک، یک منبع تامین مالی فراهم می‌آورد؛ برای تحمل ریسک و جذب زیان‌ها قابل استفاده است؛ زمینه رشد بیشتر را فراهم می‌آورد و ملاکی را در اختیار سهامداران می‌گذارد که براساس آن مطمئن شوند بانک مزبور، به شیوه‌ای صحیح و مطمئن مدیریت می‌شود. به‌منظور کاهش ریسک زیان وارده به سپرده‌گذاران، بستنکاران و سایر سهامداران بانک و جهت کمک به بازرسان برای حفظ ثبات کلی صنعت بانکداری، رعایت حداقل نسبت‌های کفایت سرمایه، امری ضروری است. بازرسان باید نسبت به تعیین الزامات احتیاطی و حداقل مناسبی از کفایت سرمایه اقدام نموده و بانک‌ها را ترغیب نمایند تا با سرمایه‌ای بیش از حداقل مذکور فعالیت نمایند.

۲- مدیریت ریسک اعتباری

۲-۱- معیارهای اعطای اعتبار و فرآیند نظارت اعتباری

اصل ۷:

یک بخش مهم از هر سیستم نظارتی، ارزیابی سیاست‌ها، رویه‌ها و روش‌های یک بانک در اعطای وام، انجام سرمایه‌گذاری‌ها، مدیریت مستمر وام‌ها و پرتفوی سرمایه‌گذاری‌ها است.

بازرسان می‌بایست مطمئن شوند که فعالیت‌های اعتباری و سرمایه‌گذاری در کلیه بانک‌ها واقعی بوده و مبتنی بر اصول صحیحی است. رعایت خط مشی‌های احتیاطی مکتوب در خصوص اعطای وام، موافقت با آن و رویه‌های اداری ذیربط و نیز مستندسازی مناسبی از عملیات وام‌دهی، برای مدیریت حوزه اعتباری یک بانک عواملی ضروری به حساب می‌آیند.

۲-۲- ارزیابی کیفیت دارایی‌ها و کفایت ذخایر و اندوخته‌های مطالبات سوخت شده

اصل ۸:

ناظران بانکی می‌بایست قانع شوند که بانک‌ها برای ارزیابی کیفیت دارایی‌ها و کفایت ذخایر و اندوخته‌های مطالبات سوخت شده؛ سیاست‌ها، رویه‌ها و روش‌های مناسبی را ایجاد نموده و به آن‌ها پایبند هستند.

بازرسان باید به ارزیابی سیاست‌های یک بانک در خصوص بررسی ادواری تک تک اعتبارات، طبقه بندی دارایی‌ها و ایجاد ذخایر بپردازند. آن‌ها باید قانع شوند که سیاست‌های مذکور به‌طور منظم مورد بازنگری قرار گرفته و همواره اجرا می‌شوند.

۳-۲- تمرکز ریسک و مقدار منابع عمده‌ای که در معرض ریسک قرار دارند.

اصل ۹:

ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانک‌ها دارای سیستم‌های اطلاعات مدیریتی هستند که مدیریت را قادر به شناسایی نقاط تمرکز پرتفوی می‌نماید. بازرسان باید با ایجاد محدودیت‌های احتیاطی، از تمرکز مقدار منابع در معرض ریسک بانک بر روی یک متقاضی وام یا گروه‌هایی از وام‌گیرندگان مرتبط، جلوگیری نمایند.

بازرسان بانکی می‌بایست با ایجاد محدودیت‌های احتیاطی، از تمرکز مقدار منابع در معرض ریسک بانک بر روی یک متقاضی وام، گروه‌هایی از وام‌گیرندگان مرتبط و سایر تمرکزهای خطرناک قابل توجه جلوگیری نمایند.

۴-۲- ارایه وام به اشخاص مرتبط

اصل ۱۰:

به منظور پیشگیری از سوء استفاده‌های ناشی از ارایه وام به وابستگان، بازرسان بانک‌ها باید الزامات مناسبی را برای بانک‌ها تعیین نمایند. الزاماتی مبنی بر اینکه ارایه وام از سوی بانک‌ها به افراد و شرکت‌های وابسته، مبتنی بر روابط غیرشخصی^۱ و تحت نظارت موثر بوده و اینکه جهت کنترل یا کاهش ریسک‌های مزبور، تمهیدات مناسب دیگر نیز اندیشیده شده است.

ناظران بانکی باید قادر به جلوگیری از سوء استفاده‌های ناشی از ارایه وام به وابستگان و اشخاص مرتبط باشند. این امر مستلزم آن است که اطمینان حاصل شود ارایه چنین وام‌هایی فقط بر مبنای روابط غیرشخصی بوده و مقدار اعتبار اعطایی تحت نظارت است. در شرایط خاص، بازرسان باید از این اختیار برخوردار باشند که از این نیز فراتر رفته و بر روی طبقاتی از این قبیل وام‌ها، محدودیت‌های کاملی وضع نمایند و یا اینکه به هنگام ارزیابی کفایت سرمایه، به اندازهٔ مجموع آن‌ها از سرمایه کسر نموده و یا بانک‌ها را ملزم به اخذ وثیقه در قبال اعطای چنین وام‌هایی بنمایند.

۵-۲- ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه

اصل ۱۱:

بازرسان بانک‌ها می‌بایست مطمئن شوند که بانک‌ها جهت شناسایی، نظارت و کنترل ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه در اعطای وام‌های بین‌المللی و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود، و نیز به منظور حفظ ذخایر مکفی جهت پوشش این قبیل ریسک‌ها، دارای سیاست‌ها و رویه‌های مناسبی می‌باشند.

1- On an arm's-length basis

۳- مدیریت ریسک بازار

اصل ۱۲:

بازرسان بانک‌ها می‌بایست از این موضوع اطمینان حاصل نمایند که بانک‌ها دارای سیستم‌هایی هستند که به‌طور دقیق ریسک‌های بازار را مورد سنجش و نظارت قرار داده و آن‌ها را به‌طور مناسبی کنترل می‌نمایند. در صورت لزوم، بازرسان باید از اختیارات لازم جهت وضع محدودیت‌های خاص و یا تعیین سرمایه ویژه بیشتری - جهت پوشش مقدار منابعی که در معرض ریسک بازار قرار دارند - برخوردار باشند.

بازرسان باید بانک‌ها را وادار کنند تا ریسک‌های بازار را به‌طور دقیق اندازه‌گیری و به شکل مناسبی کنترل نمایند. در صورت لزوم، بهتر است برای بانک‌هایی که در معرض ریسک قرار دارند - بخصوص ریسک ناشی از فعالیت‌های تجاری - سرمایه کمکی دقیقی در نظر گرفت تا بدین‌وسیله ریسک قیمت‌ها را پوشش داد.

۴- مدیریت ریسک‌های دیگر

اصل ۱۳:

بازرسان بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانک‌ها جهت شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل تمامی ریسک‌های مهم دیگر، دارای فرآیند جامعی از مدیریت ریسک (شامل نظارت مناسب هیات مدیره و مدیریت ارشد) بوده و در مواقع لزوم، به تخصیص سرمایه جهت مقابله با این قبیل ریسک‌ها، اقدام می‌کنند.

معیارهای مدیریت ریسک^۱، بخش مهمی از نظارت بانکی را تشکیل داده و به عنوان ابزارهای مالی، اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند. همزمان، فنون اندازه‌گیری ریسک نیز پیچیده‌تر شده‌اند. به‌علاوه، تاثیر فن‌آوری‌های نوین بر روی بازارهای مالی، بسیاری از

۱- به تازگی کمیته بال، گروهی فرعی را ایجاد نموده است تا به مطالعه مباحث مربوط به مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی پرداخته و دستورالعملی را برای صنعت بانکداری فراهم آورند.

بانک‌ها را ملزم و مجاز می‌نماید که به‌طور روزانه بر پرتفوی خود نظارت نموده و در پاسخ به نیازهای بازار و مشتریان، مقدار منابع در معرض ریسک خود را به سرعت تعدیل نمایند. در چنین محیطی راجع به مقدار منابعی از بانک که در معرض ریسک قرار دارد مدیریت، سرمایه‌گذاران و بازرسان نیازمند اطلاعاتی هستند که درست، سودمند و به‌موقع باشند.

۴-۱- ریسک نرخ بهره

لازم است بازرسان به نظارت بر شیوه‌ای بپردازند که به‌وسیله آن، بانک‌ها ریسک نرخ بهره را کنترل می‌نمایند. این امر شامل نظارت کارآمد هیات مدیره و مدیریت ارشد، سیاست‌ها و رویه‌های مناسب مدیریت ریسک، سیستم‌های اندازه‌گیری و نظارت بر ریسک، و کنترل‌های جامع می‌شود.^۱

۴-۲- مدیریت نقدینگی

منظور از مدیریت نقدینگی، حصول اطمینان از این موضوع است که بانک قادر به انجام کامل تعهدات قراردادی خود می‌باشد. عناصر حیاتی مدیریت نقدینگی قوی مشتمل بر سیستم‌های مناسب اطلاعات مدیریت، کنترل متمرکز نقدینگی^۲، تجزیه و تحلیل مقدار وجوه خالص مورد نیاز برای سناریوهای مختلف، تنوع منابع تامین مالی و برنامه‌ریزی اقتضایی است.^۳

۱- اخیراً کمیته بال با انتشار مقاله‌ای در مورد مدیریت ریسک نرخ بهره، به طرح اجمالی اصولی پرداخته است که به هنگام بررسی مدیریت ریسک نرخ بهره تک تک بانک‌ها، می‌تواند مورد استفاده مراجع نظارتی قرار گیرد. به مقاله «اصولی برای مدیریت ریسک نرخ بهره» از جلد ۱ مجموعه رهنمودها رجوع شود.

2 – Central liquidity control

۲- کمیته بال مقاله‌ای را منتشر نموده است که به تشریح عوامل اصلی چارچوب یک مدل تحلیلی برای اندازه‌گیری و مدیریت نقدینگی می‌پردازد. گرچه این مقاله بر استفاده از این چارچوب برای بانک‌های بزرگ و فعال در عرصه بین‌المللی تمرکز دارد، لیکن رهنمودی رافراهم می‌آورد که ثابت شده است برای کلیه بانک‌ها سودمند می‌باشد. مقاله «چارچوبی برای اندازه‌گیری و مدیریت نقدینگی» - از جلد ۱ مجموعه رهنمودها را ملاحظه فرمایید.

۳-۴- ریسک عملیاتی

ناظران بانکی می‌بایست اطمینان یابند که مدیریت عالی، رویه‌های حسابرسی و کنترل داخلی اثربخشی را به کار گرفته، برای مدیریت و کاهش ریسک عملیاتی نیز از سیاست‌های لازم برخوردار می‌باشند (به عنوان مثال به‌وسیله بیمه یا برنامه‌ریزی اقتضایی). بازرسان باید مطمئن شوند که بانک‌ها جهت راه‌اندازی مجدد تمامی سیستم‌های اصلی خود، دارای برنامه‌های مناسب و مطمئنی هستند که از راه دور قابل کنترل بوده و جهت مقابله با چنین حوادثی تهیه شده‌اند.

۵- کنترل‌های داخلی

اصل ۱۴:

ناظران بانکی باید مطمئن شوند که بانک‌ها دارای کنترل‌های داخلی مناسبی هستند که متناسب با ماهیت و مقیاس فعالیت آن‌ها می‌باشد. این کنترل‌ها می‌بایست موارد ذیل را دربرگیرد:

- ترتیبات مشخصی برای تفویض اختیار و مسئولیت
- تفکیک وظایف تعهدآور بانک، پرداخت وجوه، و حسابداری دارایی‌ها و بدهی‌ها از یکدیگر
- رفع مغایرت از این فرآیندها
- محافظت از اموال بانک
- و حسابرسی مناسب و مستقل داخلی و خارجی و وظایف تطبیقی جهت آزمون میزان پایبندی به این کنترل‌ها و نیز به قوانین و مقررات ذیربط.

اصل ۱۵:

بازرسان باید مطمئن شوند که بانک‌ها دارای سیاست‌ها، رویه‌ها و روش‌های مکفی و مناسبی - از جمله مقررات صریح مربوط به «شناخت مشتری»^۱ - هستند که معیارهای عالی اخلاقی و حرفه‌ای را در بخش مالی ارتقا بخشیده و مانع از سوءاستفاده عمده یا سهوی عوامل جنایتکار از بانک می‌شوند.

منظور از کنترل‌های داخلی، حصول اطمینان از موارد ذیل است:

- فعالیت یک بانک به روشی محتاطانه و در انطباق با خط مشی‌ها و استراتژی‌های تدوین شده از سوی هیات مدیره بانک انجام می‌شود.
 - معاملات فقط با اختیارات لازم به جریان می‌افتند.
 - از دارایی‌ها محافظت شده و بدهی‌ها تحت کنترل قرار می‌گیرند.
 - گزارش‌های حسابداری و غیره؛ اطلاعاتی کامل، دقیق و به‌موقع را فراهم می‌آورد.
 - مدیریت قادر به شناسایی، ارزیابی، اداره و کنترل ریسک‌های این حرفه می‌باشد.
- چهار حوزه اولیه کنترل‌های داخلی عبارتند از:
- ساختارهای سازمانی (تعریف وظایف و مسئولیت‌ها، محدودیت‌های تعیین شده برای تصویب وام، و رویه‌های تصمیم‌گیری)
 - رویه‌های حسابداری (رفع مغایرت از حساب‌ها، فهرست‌های کنترلی، ترازهای آزمایشی ادواری و غیره)
 - اصل «نظارت دقیق»^۲ (تفکیک وظایف گوناگون، بازبینی مجدد، کنترل مجدد دارایی‌ها، درج امضاها ۲ نفره، و غیره)
 - کنترل فیزیکی اموال و سرمایه‌گذاری‌ها

1 - Know-your-customer

2 - The "four eyes" principle

وقوع تخلفات مالی در بانک‌ها یا مشارکت آن‌ها در این امر، به ۳ دلیل مورد توجه ناظران بانکی است. از دیدگاه کلان، این امر ممکن است توان پرداخت مالی بانک‌ها و نیز سلامت سیستم مالی و قابلیت اعتماد به آنرا تهدید نماید. دوم اینکه امکان دارد این موضوع، حاکی از ضعف کنترل‌های داخلی باشد که خود مستلزم دقت نظر مراجع نظارتی است. و سوم آنکه ممکن است تبعات بالقوهٔ مربوط به شهرت و اعتماد، از یک موسسه خاص به تمام سیستم مالی گسترش یابد.

پ- روش‌های نظارت بانکی مستمر

اصل ۱۶:

یک سیستم نظارت بانکی موثر می‌بایست مشتمل بر اشکالی از هر دو شیوهٔ نظارت حضوری^۱ و غیرحضوری^۲ باشد.

اصل ۱۷:

بازرسان می‌بایست به‌طور منظم با مدیریت بانک در تماس بوده و درک جامعی از عملیات آن موسسه داشته باشند.

اصل ۱۸:

ناظران بانکی باید دارای ابزارهایی باشند که به‌وسیلهٔ آن‌ها، گزارش‌های احتیاطی و اطلاعات آماری را - به صورت انفرادی و تلفیقی - از بانک‌ها جمع‌آوری نموده و آن‌ها را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

اصل ۱۹:

ناظران بانکی باید ابزارهایی را جهت‌ارزیابی مستقل اطلاعات نظارتی - یا از طریق بررسی‌های حضوری و یا توسط حسابرسان خارجی - در اختیار داشته باشند.

1 - On-site supervision

2 - Off-site supervision

اصل ۲۰:

توانایی بازرسان در نظارت یکپارچه بر روی یک گروه بانکی، عاملی ضروری برای نظارت بانکی به حساب می‌آید.

بازرسان نیازمند آن هستند که اطلاعات را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نمایند. این امر را می‌توان به صورت حضوری یا غیرحضوری به انجام رساند. یک سیستم کارآمد نظارتی، از هر دو شیوه استفاده خواهد نمود.

صرفنظر از ترکیب فعالیت‌های حضوری و غیرحضوری یا استفاده بازرسان از خدمات انجام شده توسط حسابداران خارجی، ناظران بانکی می‌بایست با مدیریت بانک به‌طور منظم در تماس بوده و درک جامعی از عملیات آن موسسه داشته باشند. مطالعه گزارش حسابرسان داخلی و خارجی می‌تواند بخش جدایی‌ناپذیری از هر دو نظارت حضوری و غیرحضوری را تشکیل دهد.

۱- بازرسی غیرحضوری

بازرسان باید دارای ابزارهایی باشند که به‌وسیله آن‌ها، گزارش‌های احتیاطی و اطلاعات آماری را - به صورت انفرادی و تلفیقی - از بانک‌ها جمع‌آوری نموده و آن‌ها را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهند. این ابزارها باید شامل صورت‌های مالی اصلی و گزارش‌های تکمیلی دیگر باشند.

با استفاده از این گزارش‌ها می‌توان میزان پایبندی بانک‌ها به الزامات احتیاطی از قبیل کفایت سرمایه یا محدودیت‌های مربوط به وام‌گیرندگان منفرد^۱ را مورد بررسی قرار داد. اغلب نظارت غیرحضوری می‌تواند مشکلات بالقوه را - بخصوص در فواصل بین بازرسی‌های حضوری - مورد شناسایی قرار داده و بدین‌وسیله قبل از آنکه مشکلات جدی‌تر شوند زمینه تشخیص اولیه آن‌ها و پیشبرد اقدامات اصلاحی را فراهم آورند.

1 - Single debtor limits

۲- بازرسی حضوری و یا استفاده از حسابرسان خارجی^۱

بازرسان باید ابزارهایی را جهت ارزیابی اطلاعات نظارتی - یا از طریق بررسی‌های حضوری و یا توسط حسابرسان خارجی - در اختیار داشته باشند. نظارت حضوری می‌بایست به نحوی سازمان یافته باشد تا به وسیله آن بتوان راجع به اینکه در تمامی بانک‌ها، حاکمیت سهامی کافی وجود داشته و اطلاعات تهیه شده توسط آن‌ها موثق می‌باشند، تحقیق مستقلی را به عمل آورد.

بازرسی‌های حضوری، ابزاری را برای ناظر فراهم می‌آورند که به وسیله آن بتواند طیفی از موضوعات از جمله موارد ذیل را تایید یا ارزیابی نماید:

صحت گزارش‌های دریافتی از بانک؛ عملکرد کلی و وضعیت بانک؛ کفایت نظام‌های مدیریت ریسک و رویه‌های کنترل داخلی در بانک؛ کیفیت پرتفوی وام و کفایت ذخایر و اندوخته‌های مطالبات سوخت شده؛ شایستگی مدیریت؛ کفایت سیستم‌های اطلاعات مدیریت و حسابداری؛ مسایل و موضوعاتی که در مراحل قبلی نظارت حضوری یا غیرحضوری، مورد شناسایی واقع شده‌اند؛ و میزان پایبندی بانک به قوانین و مقررات و شرایط مندرج در مجوز بانکی.

۳- نظارت یکپارچه

توانایی ناظران در انجام نظارت تلفیقی از یک واحد بانکی، عاملی ضروری برای نظارت بانکی به حساب می‌آید. این مقوله شامل توانایی در بررسی فعالیت‌های بانکی و غیربانکی انجام شده توسط واحد مزبور است که یا به‌طور مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم (توسط شعب و واحدهای تابعه) و به وسیله دفاتر داخلی و خارجی آن‌ها صورت می‌گیرد.

۱- در برخی کشورها به حسابرسان مستقلی که به وسیله موسسه نظارتی استخدام می‌شوند تا به نمایندگی از آن‌ها به انجام امور ذیربط بپردازند، حسابداران گزارشگر (Reporting accountants) اطلاق می‌شود.

ت- اطلاعات مورد نیاز از بانکها

اصل ۲۱:

ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که هر بانک سوابق کافی از فعالیت‌های خود را نگهداری می‌کند. سوابقی که براساس خط مشی‌ها و شیوه‌های رایج حسابداری تهیه شده و برای بازرسان این امکان را فراهم می‌کند که تصویری واقعی و منصفانه از وضعیت مالی و سودآوری عملیات تجاری آن بانک کسب نمایند. علاوه بر این، باید این اطمینان حاصل شود که بانک نسبت به انتشار منظم صورت‌های مالی خود اقدام می‌کند. صورت‌هایی که وضعیت آن بانک را به‌طور کامل منعکس می‌نمایند.

برای اینکه بازرسان، نظارت غیرحضورى موثری از بانک‌ها به‌عمل آورده و وضعیت بازار بانکی محلی را مورد ارزیابی قرار دهند می‌بایست اطلاعات مالی را در فواصل زمانی منظم دریافت نمایند. این اطلاعات می‌بایست به‌طور ادواری به‌وسیلهٔ بازرسی‌های حضوری یا حسابرسی‌های خارجی تایید شوند. ارایه گزارش‌ها به صورت ادواری، حداقل می‌بایست موارد ذیل را دربرگیرد: ترازنامهٔ یک بانک، صورت سود و زیان و بدهی‌های احتمالی؛ به همراه جزییات کامل و مقدار منابعی که در معرض ریسک‌های مهم قرار دارند. هنگامیکه بانک‌ها عمداً یا از روی بی‌احتیاطی راجع به مطالبی که برای فرآیند نظارتی اهمیت دارند، اطلاعات غلطی را ارایه می‌کنند این امکان وجود دارد که بازرسان به بیراهه رفته یا به مانع بربخورند.

بخش پنجم: اختیارات رسمی بازرسان

اصل ۲۲:

لازم است ناظران بانکی، ابزارهای نظارتی مناسبی در اختیار داشته باشند تا در زمانی که بانک‌ها در تامین الزامات احتیاطی (از قبیل حداقل نسبت‌های کفایت سرمایه) قصور ورزیده یا از ضوابط نظارتی سرپیچی کرده و یا هنگامیکه منافع سپرده‌گذاران به هر طریق دیگری در معرض خطر قرار دارد، نسبت به انجام به‌موقع اقدامات اصلاحی اقدام نمایند. در شرایط حاد، این امر می‌بایست شامل توانایی بازرسان در ابطال مجوز بانکی یا پیشنهاد لغو آن باشد.

الف - اقدامات اصلاحی

علیرغم تلاش بازرسان، ممکن است موقعیت‌هایی بوجود آید که در آن، بانک‌ها در تامین الزامات نظارتی قصور ورزیده و یا توانایی آن‌ها در پرداخت دیون، زیر سوال برود. به منظور حفاظت از منافع سپرده‌گذاران و بستانکاران و جلوگیری از گسترش بیشتر این مسایل، بازرسان باید از توان انجام مداخلات به‌موقع برخوردار باشند.

ب - شیوه‌های انحلال

در شرایط بسیار حاد و علیرغم تلاش‌های مستمر بازرسان برای حصول اطمینان از رفع مشکلات یک بانک، ممکن است واحد مزبور نتواند از نظر مالی، بیش از این دوام بیاورد. در چنین مواردی ممکن است بازرس در راه‌حل‌هایی مشارکت نماید که مستلزم واگذاری امور بانک به یک موسسه سالم‌تر یا ادغام با آن باشد. زمانی که کلیه اقدامات دیگر با شکست مواجه می‌شود بازرس باید از این توانایی برخوردار باشد که به کار یک بانک ناسالم خاتمه داده یا به تعطیل آن کمک نماید تا بدین‌وسیله از ثبات کلی نظام بانکی، حفاظت شود.

بخش شش: بانکداری برون مرزی

الف - وظایف بازرسان کشور مبدأ^۱

اصل ۲۳:

لازم است بازرسان بر روی آن دسته از واحدهای بانکی خود که در سطح بین‌المللی فعال هستند، نظارت تلفیقی جامعی را اعمال نمایند. این امر می‌تواند از طریق نظارت کافی و به‌کارگیری ضوابط احتیاطی مناسب برای کلیهٔ جوانب عملیات جهانی انجام شده توسط این گروه از واحدهای بانکی - بخصوص در شعب خارجی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و واحدهای تابعهٔ آن‌ها - صورت پذیرد.

اصل ۲۴:

ایجاد تماس و تبادل اطلاعات با سایر بازرسان ذیربط بخصوص با مراجع نظارتی کشور مقصد^۲، بخش مهمی از نظارت تلفیقی را تشکیل می‌دهد. به منظور اجرای نظارت بانکی یکپارچه، لازم است ناظران بانکی بر کلیهٔ جوانب عملیات جهانی انجام شده توسط واحدهای بانکی خود - از جمله شعب خارجی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و واحدهای تابعهٔ آن‌ها - نظارت کافی داشته و در این رابطه از ضوابط احتیاطی مناسب استفاده کنند. یکی از مسئولیت‌های اصلی بازرسان بانک مادر^۳، تعیین این موضوع است که آیا بانک مزبور بر شعب خارجی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و شرکت‌های تحت پوشش خود نظارت کافی دارد یا خیر. این نظارت می‌بایست موارد ذیل را دربرگیرد: میزان انطباق آن‌ها با کنترل‌های داخلی، دریافت یک جریان کافی و منظم از اطلاعات، و تعیین صحت و سقم اطلاعات دریافت شده به صورت ادواری.

1 - Home Country

2 - Host Country

3 - The parent bank

ایجاد تماس و تبادل اطلاعات با سایر بازرسان ذیربط از جمله مراجع نظارتی کشور مقصد، بخش مهمی از نظارت تلفیقی است. این تماس باید از مرحله صدور مجوز شروع شود یعنی هنگامی که بازرس کشور مقصد می‌بایست قبل از صدور مجوز فعالیت برای دفتر نمایندگی، مجوز بازرس کشور مبدأ را از آن بانک مطالبه نماید. تا زمانی که برای کسب اطلاعات، بر روی ترتیبات رضایت‌بخشی توافق نشده است ناظران بانکی می‌بایست مانع از انجام عملیات بانک‌های خود در کشورهایی شوند که به دلیل برخورداری از قوانین رازداری و سایر مقررات، مانع از گردش اطلاعات لازم برای انجام نظارت مناسب می‌شوند.

همچنین تعیین کیفیت و محدوده نظارتی که بازرسان کشور مقصد در مورد عملیات محلی بانک‌های کشور مبدأ اعمال می‌نمایند، بر عهده ناظرانی از کشور مبدأ است. در مواقعی که نظارت کشور مقصد، از کفایت لازم برخوردار نیست ممکن است بازرس کشور مبدأ برای جبران این امر، نسبت به انجام اقدامات ویژه دیگری همچون بازرسی‌های حضوری، درخواست اطلاعات تکمیلی از دفتر مرکزی بانک مزبور یا حسابرسان خارجی آن، اقدام نماید.

ب- وظایف بازرسان کشور مقصد

اصل ۲۵:

ناظران بانکی می‌بایست بانک‌های خارجی را ملزم نمایند عملیات محلی خود را مطابق با استانداردهای عالی مشابهی انجام دهند که موسسات داخلی نیز ملزم به رعایت آن‌ها هستند. همچنین لازم است بازرسان مذکور از اختیارات لازم جهت مبادله اطلاعات با بازرسان کشور مبدأ برخوردار باشند تا بدین وسیله بتوانند نظارتی تلفیقی را به اجرا درآورند.

لازم است عملیات بانک‌های خارجی نیز همانند بانک‌های داخلی، تابع الزامات احتیاطی، نظارتی و گزارش‌دهی مشابهی باشد (البته با تشخیص وجود تفاوت‌هایی از قبیل اینکه شعب مستقلاً تامین سرمایه نمی‌شوند).

از آنجا که موسسه نظارتی کشور مقصد، تنها بخش محدودی از عملیات کلی بانک خارجی را تحت نظارت خود دارد لازم است موسسه نظارتی این موضوع را مشخص نماید که آیا بازرسی کشور مبدأ، نظارت یکپارچه‌ای را بر روی عملیات داخلی و خارجی آن بانک اعمال می‌نماید یا خیر. برای آنکه بازرسان کشور مبدأ، نظارت تلفیقی کارآمدی را به اجرا بگذارند، بازرسی کشور مقصد می‌بایست اطلاعات خود را به عملیات محلی بانک‌های خارجی را با آن‌ها در میان بگذارد مشروط بر آنکه این امر به صورت متقابل بوده و از جنبه محرمانه اطلاعات محافظت شود. علاوه بر این برای دستیابی به مقاصد نظارتی مورد نظر، لازم است که بازرسان کشور مبدأ به شعب و دفاتر محلی به صورت حضوری دسترسی داشته باشند.

این مقاله خلاصه‌ای از ترجمه کامل سند ذیل می‌باشد:

Core Principles for Effective Banking Supervision, Basle Committee on Banking Supervision, September 1997.